

کیفیت آموزش و پرورش و رشد اقتصادی

دکتر مصطفی عمادزاده

بستگی دارد که در ارائه این خدمات مشارکت می‌نمایند، این عوامل به قرار زیرند:

- ۱) کیفیت دانش آموزان به عنوان دریافت کنندگان آموزش و متقاضیان تحصیل علم، که طرف تقاضا را تشکیل می‌دهند.
- ۲) کیفیت معلمان به عنوان عرضه کنندگان خدمات آموزشی و ارائه دهندگان دانش، که طرف عرضه را تشکیل می‌دهند.
- ۳) کیفیت امکانات و تجهیزات ضروری برای فراهم آوردن محیطی مطلوب، که در آن عمل آموزش به صورت مفیدتری ارائه گردد.

۴) کیفیت خدمات اداری سازمانهای هدایت کننده و برنامه‌ریزان آموزشی در جامعه، آنان که اهداف کمی و کیفی آموزش را ترسیم می‌کنند و براساس آن، منابع لازم را تخصیص می‌دهند. چنانچه کیفیت آموزش و پرورش را با Q_s ، کیفیت دانش آموزان را با q_p ، کیفیت معلمان را با q_t ، کیفیت امکانات و تجهیزات را با q_e ، و کیفیت خدمات دولتی و اداری را با q_g نمایش دهیم، تابع کیفیت آموزشی را می‌توان به صورت ذیل ارائه نمود:

$$Q_s = f(q_p + q_t + q_e + q_g)$$

در این تابع فرض بر این است که کیفیت آموزشی، مجموع کیفیتهای عوامل مشارکت کننده در تولید آموزش است. لیکن به نظر می‌آید که چنین تابعی از دقت و صحت کافی برخوردار نباشد؛ زیرا به عنوان مثال، کیفیت بهتر دانش آموز و کیفیت برتر معلم، دو عامل مستقیم و جمع پذیر نیست. کیفیت یکی در کیفیت دیگری تأثیر متقابل دارد و بر قدرت و تواناییهای هر دو می‌افزاید. بدین ترتیب کیفیت آموزش حاصل ضرب کیفیت عوامل فوق است، و نه جمع ساده کیفیتهای مستقل هر یک از عوامل. بنابراین تابع کیفیت آموزشی را باید به صورت زیر نوشت:

$$Q_s = f(q_p \cdot q_t \cdot q_e \cdot q_g)$$

چنانچه افزایش واقعی در تولید ملی هر کشوری، رشد اقتصادی قلمداد شود، آهنگ چنین رشدی بی شک در گرو میزان سرمایه‌گذاریهای انسانی در توده مردم است. از آنجا که انسانها محور اصلی توسعه اقتصادی - اجتماعی هر جامعه به حساب می‌آیند و از آنجا که انسان در عین حال که وسیله رسیدن به رشد اقتصادی است، هدف اساسی رشد و توسعه را نیز تشکیل می‌دهد.^۱ توجه بیشتر به پرورش نیروی انسانی در کشورهای در حال توسعه، موجب افزایش سطح تواناییها، تولید ملی بیشتر و افزایش درآمد جامعه خواهد شد.

اگر چه در سالهای اخیر سرمایه‌گذاریهای قابل توجهی در سرمایه انسانی جوامع در حال توسعه ضرورت پذیرفته، لیکن به علت رشد سریع جمعیت، گروه عظیم بی‌سوادان و امکانات ناچیز این کشورها، هنوز نیروی مجرب و متخصصی که بتواند نیازهای اساسی این جوامع را پاسخ گوید تربیت نشده است؛ وانگهی، گرچه نظام آموزشی در بیشتر این جوامع از رشد سریعی برخوردار بوده و تعداد دانش آموزان و دانشجویان با سرعت در حال افزایش‌اند، لیکن متأسفانه هنوز کیفیت آموزشی و کیفیت فارغ‌التحصیلان از استانداردهای قابل قبولی برخوردار نیست. کشورهای در حال توسعه برای تشدید رشد اقتصادی خود، باید علاوه بر کمیت‌ها، در کیفیت آموزش و پرورش بکوشند و افراد با صلاحیتی را تربیت کنند تا با به دست آوردن مشاغل تخصصی و پستهای کلیدی توانایی حل مسائل پیچیده این جوامع را داشته باشند. از آنجا که آموزش و پرورش در تحولات فرهنگی و تواناییهای تولیدی مردم اثر مستقیمی دارد، هر اندازه کیفیت آموزشی از سطح بالاتری برخوردار باشد، تولید ملی و در نتیجه رشد اقتصادی بیشتری حاصل خواهد شد.

کیفیت آموزش و پرورش، در حقیقت، به کیفیت عواملی

اکنون به تحلیلی مختصر از هر یک از عوامل فوق اکتفا می‌کنیم. لازم به تذکر است که در ارزیابی کیفیت آموزشی، فقط به محدوده، دوره ابتدائی تا پایان دبیرستان اشاره می‌شود و از بحث درباره کیفیت تحصیلات عالی خودداری می‌گردد.

۱- کیفیت دانش آموزان

در آغاز، این فکر تداعی می‌شود که چگونه دانش آموزانی که خود دریافت کننده آموزش می‌باشند، می‌توانند در کیفیت آموزش نقش مهمی ایفا کنند. علت چنین تفکری را باید در تواناییهای ذاتی و محیطی کودکان جستجو کرد. بدین معنی که هر قدر آمادگی ذهنی کودکان بیشتر باشد، قدرت فراگیری آنان افزونتر و کیفیت آموزشی ارتقای بیشتری خواهد یافت. شاید بتوان آمادگی ذهنی کودکان را با «حاصلخیزی» و «قدرت تولید» زمینهای زراعی تشبیه نمود. هر قدر حاصلخیزی خاک بیشتر باشد، در شرایط مساوی، محصول بیشتری برداشت خواهد شد. بنابراین هر قدر تواناییهای دانش آموزان بیشتر و ذهن کودکان مستعدتر باشد، کیفیت آموزشی، بهبود بیشتری خواهد یافت.

۱-۱- تواناییهای ذاتی و محیطی

بی‌شک یکی از عوامل یادگیری، تواناییهای ذاتی و موروثی است که از والدین انتقال می‌یابد. در برخی از کودکان این تواناییها بیشتر است و در یادگیری و پیشرفت آنان اثر مثبتی دارد. عامل مکمل تواناییهای ذاتی، شرایط محیطی است. اینکه کودکان بعد از تولد در چه محیطی رشد می‌کنند، قبل از رفتن به دبستان چگونه پرورش می‌یابند، و چه آموزشهایی را دریافت می‌دارند، خود از اهمیت حیاتی برخوردار است، زیرا به نظر می‌رسد که کودکان می‌توانند قبل از رفتن به مدرسه، مطالب زیادی را از والدین خود بیاموزند. این دوره از زندگی کودک، در حقیقت، پایه محکم و بنیان استواری را برای دوره‌های آموزش بعدی بوجود می‌آورد.

۱-۲- انگیزه آموختن و تشویق والدین

در خانواده‌هایی که والدین تحصیلکرده‌اند و نگرش آنان نسبت به تحصیلات فرزندان در حد یک سرمایه گذاری بلند مدت است، انگیزه آموختن از کودکی در فرزندان تقویت می‌شود و آنان را برای گذراندن مدارج بالاتر آماده می‌کنند. بعد از محیط خانواده، محیط اجتماعی و شرایط اقتصادی جامعه در تحریک انگیزه‌ها نقش بسزایی دارند.

۳-۱- شرایط اقتصادی - اجتماعی خانواده

امکانات اقتصادی - اجتماعی والدین، شرایط تحصیل فرزندان را فراهم می‌نماید. هر قدر این امکانات گسترده‌تر باشد، فرزندان تحصیلات بیشتری خواهند کرد، و بر عکس، هر اندازه خانواده دچار فقر و تنگدستی بیشتری باشد، امکان تحصیل و انگیزه آموختن کاهش خواهد یافت.

۴-۱- نسبت دانش آموز به معلم

در شرایطی که تعداد مدارس، اندک و تعداد دانش آموزان، زیاد است، نسبت دانش آموز به معلم، افزایش و در نتیجه کیفیت آموزشی لزوماً کاهش می‌یابد. در چنین حالتی رسیدن به هدفهای آموزشی در هر مقطع با مشکل روبرو می‌شود. برای کاهش نسبت دانش آموز به معلم، اخیراً مدارس، چند نویته و یا اصطلاحاً چند «شیفته» شده‌اند. بدین ترتیب که برای استفاده مطلوبتر از فضای آموزشی محدود، گروهی از دانش آموزان، صبح و گروه دیگری بعدازظهرها به مدرسه می‌آیند. بیشتر، چنین متداول است که به تناوب، پسرها صبح و دخترها بعدازظهرها به مدرسه می‌روند. رشد سریع جمعیت در کشورهای در حال توسعه سبب شده تا ابتدا دبستانها چند نویته شوند. اکنون این مسأله دوره راهنمایی را نیز دربر گرفته و شاید به زودی دبیرستانها نیز چند نویته گردند. گرچه چند نویته بودن باعث استفاده کارآتر از فضای آموزشی می‌شود، لیکن بی شک کیفیت آموزشی را کاهش می‌دهد.

۲- کیفیت معلم

امروزه کیفیت معلم به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده کیفیت آموزش و پرورش قلمداد می‌شود. در کیفیت کار معلم، عوامل بسیاری دخالت دارند: میزان تحصیلات، آموزشهای لازم برای تعلیم، علاقه و انگیزه به تدریس، تعهد و مسوولیت در آموزش، میزان تجربه، و سرانجام میزان حقوق و دستمزد دریافتی. با توجه به نقش مهمی که هر یک از این عوامل در کیفیت کار معلم دارد، به توضیح مختصری در هر مورد اکتفا می‌شود.

۱-۲- میزان تحصیلات معلم

تحصیلات معلم از اهمیت بسیاری برخوردار است. هر قدر معلم تحصیلات بیشتری داشته باشد، قادر خواهد بود تا مطالب درسی را با تسلط و کیفیت بهتری ارائه نماید. در حقیقت، تحصیلات، زیربنای کیفیت کار معلم است.

عوامل دیگری از قبیل تجربه و آموزش لازم برای تدریس، زمانی آثار خود را نمایان می‌سازند که معلم از تحصیلات تخصصی کافی برخوردار باشد، اگر چه درصد قابل توجهی از معلمان کشورهای در حال توسعه از تحصیلات لازم بهره‌مند نیستند و حدود نیمی از آنان تحصیلاتی در حدود دیپلم دبیرستان دارند، لیکن خوشبختانه در کشور ما، سطح نسبی تحصیلات معلمان بالاتر است. جدول شماره ۱، میزان تحصیلات معلمان و دبیران کشور را در سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۰ نمایان می‌سازد. همانگونه که مشاهده می‌شود، حدود ۷۳ درصد از معلمان دبستان، دیپلمه، حدود ۸۳ درصد از معلمان دوره راهنمایی تحصیلی، دارای فوق دیپلم، و حدود ۵۸ درصد دبیران، تحصیلاتی در حد لیسانس و بالاتر دارند.

مقطع	مدرک	لیسانس و بالاتر	فوق دیپلم	دیپلم	پایین تر از دیپلم	جمع
دبستان		۰/۵۷	۲۱/۵۷	۷۳/۱۴	۴/۷۲	۱۰۰
راهنمایی		۴/۸۴	۸۳/۵۸	۱۱/۴۸	۰/۱	۱۰۰
دبیرستان		۵۸/۳۴	۲۰/۰۶	۲۰/۳۰	۱/۳۰	۱۰۰

جدول شماره ۱: میزان تحصیلات معلمان و دبیران آموزش و پرورش کشور در سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۰ (به درصد)
 مأخذ: دفتر هماهنگی طرحها و برنامه ریزی توسعه - معاونت آمار: «آمار آموزش و پرورش، ۷۱-۱۳۷۰، وزارت آموزش و پرورش ۱۳۷۱ صفحات: ت-ج-ر».

همانگونه که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، متأسفانه تعداد کمتری از معلمان دوره ابتدایی و راهنمایی از تحصیلات لیسانس و بالاتر برخوردار می‌باشند. از آنجا که توفیق دانش آموزان در دوره‌های بعدی مبتنی بر پایه‌های قوی‌تر در مقطع ابتدایی و راهنمایی است، قویاً توصیه می‌شود که سطح تحصیلات معلمان در این دوره‌ها ارتقا یابد.

۲-۲- آموزش و تربیت معلم

آموزش یک امر تخصصی است و شیوه‌های خاص خود را دارد. معلم برای آموزش، باید تعلیمات لازم را دریافت دارد. چگونگی ارائه مطالب در کلاس درس، و طرز برخورد با دانش آموزان نیازمند آموزش است. چنانچه معلم، چنین آموزشهایی را دریافت

دارد، کیفیت تدریس وی ارتقا خواهد یافت. امروزه در بیشتر کشورهای در حال توسعه، دوره‌های متنوع تربیت معلم وجود دارد. زیرا که علاوه بر میزان تحصیلات، معلمان باید از شیوه‌های آموزش، اطلاع کافی داشته باشند. اکنون، آموزش دروس علوم و ریاضی، در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی نیازمند فنون خاص خود است که بدون تسلط بر آن، معلم برای تفهیم مطالب با مشکلات بسیاری روبرو خواهد بود. بطور کلی معلمان ابتدایی و به ویژه آموزگاران سالهای اول و دوم باید در مورد چگونگی ارائه مطالب از آموزش کافی برخوردار باشند. بدون آشنایی با فنون آموزش، توفیق آنان در جذب دانش آموزان در تفهیم مفاد درسی اندک خواهد بود.

۳-۲- علاقه و انگیزه به تدریس

معلم باید به تدریس علاقه داشته باشد، و انگیزه‌های قوی وی را به این حرفه هدایت کرده باشد. چنانچه افرادی پس از فراغت از تحصیل و در جستجوی کار، از روی ناچاری به شغل معلمی روی آورند، طبیعتاً از علاقه و انگیزه کافی برخوردار نیستند، گرچه ممکن است چنین علاقه‌ای، پس از چندی تدریس حاصل شود، لیکن عدم علاقه و انگیزه، بی شک کیفیت تدریس را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بسیاری از زنان، به علت شرایط انعطاف پذیر و ساعت کمتر کار در خارج از منزل، شغل معلمی را به مشاغل دیگر ترجیح می‌دهند، گرچه کیفیت کار زنان در آموزش، و بویژه آموزش دوره ابتدایی به علت ارتباط عاطفی که با کودکان برقرار می‌نمایند. بالاست، لیکن باید علاقه و انگیزه آنان، قبل و بعد از شروع کار آموزش تحریک شود، و ایشان نسبت به عظمت و اهمیت کاری که انتخاب کرده‌اند بیش از پیش آگاهی کامل داشته باشند. جامعه، ادارات مسوول و خانواده‌ها باید بطور پیوسته معلمان را دلگرم نموده و انگیزه آنان را برای تدریس بهتر تقویت نمایند.

۴-۲- میزان مسوولیت و تعهد معلم

آثاری که چگونگی تدریس و رفتار معلم در دانش آموز بجای می‌گذارد، ماندنی و زوال ناپذیر است. معلم می‌تواند در کنار مفاد درسی، دانش آموزان را مسوول، متعهد، منظم و با پشتکار تربیت کند. هر قدر معلمان در چارچوب آموزش از تعهد، و احساس مسوولیت بیشتری برخوردار باشند، می‌توانند جوانان متعهد و مسوولی را برای جامعه تربیت کنند. ساعات درس و روزهای تحصیل، علاوه بر بار آموزشی، از اهمیت پرورشی ویژه‌ای

۳- کیفیت امکانات و تجهیزات آموزشی

امکانات و تجهیزات آموزشی می‌تواند نقش مؤثری در کیفیت آموزش داشته باشد. مدارس باید جاذب کودکان باشند. وسایل کمک آموزشی باید بتوانند انگیزه آموختن را تقویت نمایند. شاید بتوان تجهیزات و امکانات آموزشی را به سه گروه طبقه بندی نمود:

(۱) کتاب

(۲) وسایل کمک آموزشی

(۳) تجهیزات زیربنایی مدارس

۱-۳- کیفیت کتابهای درسی

شاید بدون اغراق، مهمترین وسیله آموزش، کتاب باشد. محتوا، جامعیت و کیفیت مفاد درسی، در کتابهای آموزشی، می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای سطح دانش کودکان داشته باشد. در مورد نقش کتابهای درسی در کیفیت آموزشی، مسائل ذیل مطرح‌اند:

الف) کتابهای درسی باید توسط متخصصان هر رشته، به صورت متمرکزی تألیف، تدوین و انتشار یابند.

ب) محتوای کتابهای آموزشی باید متناسب با نیازهای آموزشی هر کلاس و در نظر گرفتن رشد و توان فکری کودکان باشد.

ج) توزیع کتابهای درسی باید به صورت هماهنگ در سطح ملی و قبل از شروع کلاسها صورت گیرد.

د) کتابهای درسی باید دارای چاپ و کیفیت مرغوب، و با قیمت مناسبی (و حتی با سوبسید) در اختیار خانواده‌ها قرار گیرد.

ه) هر کتاب درسی، باید با یک کتاب راهنمای تدریس برای معلم، و با یک کتاب تمرین برای دانش‌آموزان همراه باشد. چنین امری سبب می‌شود تا از یک طرف، معلمان، بهتر با روش تدریس مطالب کتاب آشنا شوند و از طرف دیگر دانش‌آموزان با کمک تمرینهای متعدد و مطالب حاشیه‌ای به محتوای کتابهای درسی تسلط بیشتری پیدا کنند.

و) کتابهای کمکی برای هر کتاب اصلی، و برای هر سطح، می‌تواند به یادگیری مطالب و در ابعاد گسترده‌ای کمک کند.

۲-۳- وسایل کمک آموزشی

وسائلی از قبیل فیلم، اسلاید، پوستر، نقشه و امروزه کامپیوتر، می‌توانند نقش حیاتی در ارتقای کیفیت آموزش داشته باشند. امروزه بسیاری از مسائل تاریخی، جغرافیایی و علوم پایه را می‌توان از طریق نمایش یک فیلم، به گونه‌ی ارزنده‌ای به کودکان آموزش داد. اثری که نمایش یک فیلم و توضیحات معلم، به

برخوردار است. بسیاری از رفتارها و هنجارهای کودکان در مدرسه تحول و تکامل می‌یابد. محیط مدرسه و بخصوص برخورد معلم می‌تواند در طرز تفکر و جهان بینی دانش‌آموزان تأثیر و در زندگی آینده آنان بسیار مؤثر باشد. از آنجا که بسیاری از دانش‌آموزان، معلمان خود را الگوی پیشرفت و تکامل خود قرار می‌دهند، آنان باید در برخورد با مسائل فردی و اجتماعی، از خود تمهد و مسوولیت بیشتری نشان دهند تا بتوانند نقش بهتری در تحول جوانان و نسل آینده داشته باشند.

۵-۲- میزان تجربه معلم

کسب تجربه در همه زمینه‌ها، موجب ارتقای کیفیت است. لیکن در آموزش، تجربه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا که کیفیت آموزش، تنها به اطلاعات و دانش معلم وابسته نیست، بلکه در گرو میزان تجربه و روش تدریس وی است. معلمان مجرب با اتخاذ روشهای بهتر تدریس می‌توانند دانش‌آموزان را معذب و خود سازند و کارآیی آموزش را ارتقا دهند. نقش تجربه در آموزش دوره ابتدایی، و بویژه در سالهای اول دبستان، می‌تواند انگیزه و علاقه دانش‌آموزان را به ادامه تحصیل، تقویت و تحکیم نماید. بر عکس معلمان بی تجربه در سالهای اول دوره ابتدایی، نه تنها به کیفیت آموزشی لطمه می‌زنند، بلکه ممکن است بعضاً موجب گریز دانش‌آموزان و افزایش نرخ افت تحصیلی شوند. متأسفانه، تقاضای روزافزون برای معلم، و نبودن معلمان مجرب موجب شده تا والدین نارساییهای آموزشی را در منزل جبران نمایند.

سن معلم نیز در کیفیت آموزش تأثیر می‌گذارد. معلمان جوان ممکن است علی‌رغم تحصیلات و آموزشهای لازم، از صبر و حوصله کافی برخوردار نباشند.

۶-۲- حقوق و دستمزد معلم

یکی از مسائل مهم در افزایش کیفیت آموزش، جذب، حفظ و ابقای افراد با صلاحیت در شغل معلمی است. حقیقت این است که در بیشتر کشورهای در حال توسعه، سه عامل عمده باعث شده تا فراد با کفایت کمتر به شغل معلمی روی آورند:

(۱) پایین بودن سطح حقوق و دستمزد معلمان

(۲) شرایط کار معلم

(۳) موقعیت اجتماعی آنان.

صورت مکمل یکدیگر، می‌تواند در تفهیم مسائل داشته باشد، بی‌شک مهمتر از تدریس از روی کتاب و تخیل و تصور است. در حقیقت، وسائل سمعی و بصری، کارآیی آموزش را دوچندان کرده است؛ به عنوان مثال، اکنون آموزش زبانهای زنده را می‌توان با کمک لوازم صوتی و تصویری به سرعت و با کیفیت عالی ارائه نمود. وسائل کمک آموزشی، کار آموزش را آسانتر و اثر آن را تشدید می‌نماید.

۳-۳- کیفیت تجهیزات زیربنایی

امکانات و تجهیزات مدارس به صورت غیر مستقیمی کیفیت آموزشی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ساختمان مدرسه، کیفیت کلاس درس، میزان نور و روشنایی، مقدار گرما و سرما، کیفیت میز و نیمکت و تخته سیاه، همگی در آموزش تأثیر بسزایی دارند. زمین ورزش، سالنهای سرپوشیده، وسائل بازی و سرگرمی و فضای سبز مدارس، آثار مستقیمی در سلامت و تندرستی و روحیه دانش آموزان خواهد داشت. هر قدر مدارس از تجهیزات مناسبتری برخوردار باشند، فضای مطلوبتری را برای آموزش فراهم می‌آورند، و می‌توانند جاذب کودکان بیشتری باشند.

از آنجا که ارتباط تنگاتنگی بین ساعاتی که کودکان در مدرسه می‌گذرانند و تحولاتی که در آنان ایجاد می‌شود وجود دارد، مدارس باید به صورت محیطی درآیند که کودکان و جوانان با رغبت به آن محیط کشیده شوند و ساعات بیشتری از روز را در آنجا بسر برند.

۴- کیفیت حمایت و پشتیبانی نظام اداری

از آنجا که نمی‌توان ارتباط صریح و مستقیمی بین هزینه سرانه دانش‌آموزان، و کیفیت برتر آموزشی آنان برقرار نمود، به همان ترتیب، نمی‌توان وجود نهادهای آموزشی را، دلیلی بر عملکرد مؤثر و کارآی آنها دانست. چگونگی عمل مدارس در حقیقت، تا حدود زیادی به کیفیت و نوع حمایت و پشتیبانی نظام اداری و نحوه دخالت، نظارت و هدایت آن بستگی دارد. نظام اداری می‌تواند از طریق تدوین قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی، عملکرد مؤسسات آموزشی را از نزدیک تحت کنترل خود قرار دهد. این کنترلها شامل بررسی امکانات آموزشی، فضای آموزشی، ابعاد و کیفیت کلاسهای درس، رعایت استانداردهای آموزشی، چگونگی امتحانات، رعایت موارد بهداشتی، و امثال آن است.

نظارت بر امتحانات، یکی دیگر از راه‌هایی است که نظام اداری

می‌تواند با کمک آن کیفیت آموزشی مدارس را مورد بررسی قرار دهد. از طریق امتحانات متمرکز می‌توان:

۱) چگونگی تدریس معلمان و کیفیت دانش آموزان را کنترل نمود.

۲) بین مدارس یک منطقه رقابت سازنده‌ای بوجود آورد.

۳) در توزیع امکانات و فرصتهای آموزشی تجدیدنظر بعمل آورد.

۴) از نظر تجهیز امکانات آموزشی، به مناطق محروم توجه بیشتری مبذول داشت.

علاوه بر این، نظرات و پیشنهادهای برنامه‌ریزان آموزشی، از طریق سازمانهای اداری به مدارس انتقال می‌یابند. ادارات آموزش و پرورش باید بتوانند در قالب قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی، هدفهای برنامه‌ریزان آموزشی را به مدارس هر منطقه ابلاغ کنند، و به تدریج شاهد تحولات پیش‌بینی شده باشند. سرعت، دقت و رعایت تقویم زمان بندی شده برنامه‌ها به عهده سازمانهای اداری است، و کارآیی چنین دستگاه‌هایی می‌تواند نقش مهمی در کیفیت آموزشی مدارس داشته باشد.

نظام اداری در حالی که می‌تواند پشتیبانیهای لازم را در اختیار مدارس قرار دهد، و کیفیت آموزشی را ارتقا بخشد، گاهی نیز ممکن است به یک نظام بوروکراتیک و دیوانسالار بدل شود و مشکلی بر مشکلات دیگر بیفزاید.^۲

۵- نتایج و پیشنهادها

رشد و توسعه اقتصادی نیازمند تخصصهای تازه، بینشهای عمیق، و انسانهای والا و باکفایت است. همه این تحولات درگرو آموزش است. اکنون آموزش به صورت یکی از محورهای عمده توسعه اقتصادی به شمار می‌آید. بدیهی است هر نوع آموزشی به رشد اقتصادی منتهی نخواهد شد. آموزشهای متناسب و باکیفیت است که می‌تواند فرد را متحول و جامعه را دگرگون سازد.^۳ از بحث فوق نتایج و پیشنهادهای ذیل بدست می‌آید:

۱- چنانچه بپذیریم که آموزش و پرورش تواناییهای فردی را افزایش می‌دهد، و این تواناییها منشأ درآمدهای بیشتری در آینده است، هر قدر کیفیت مؤسسات آموزشی بهتر باشد، توسعه تواناییهای فردی افزونتر، امکان تولید کالا و خدمات، بیشتر و درآمد افراد بالاتر خواهد رفت.

دارد، لیکن کیفیت آموزش است که تحول زا و منشأ آثار اقتصادی و اجتماعی است. تمام کشورهای در حال توسعه باید بیش از پیش در فکر افزایش کیفیت آموزشی باشند، چرا که از این طریق می‌توانند جوانان توانایی، که در رشد اقتصادی مشارکت بیشتری دارند، را تربیت و به جامعه تحویل نمایند.

پانویسها:

1- SEN. Amartya, : "Development As Capability Expansion", in: "Human Development and International Development, Strategy for the 1990" Griffin, K., and Knight, J. (ed.) Macmillan 1990. pp. 41-58.

۲- حسین عظیمی: «فرهنگ و توسعه»، مجله ایران فردا، ۱۳۷۱، شماره دوم ص ۵۶-۴۶.

۳- مصطفی عمادزاده: «اقتصاد آموزش و پرورش» جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۹، فصل اول.

سایر منابع:

1- Heyneman, S. & Loxley, W.: "The Effect of Primary School Quality on Academic Achievement Across 29 High - and Low-Income Countries", American Journal of Sociology, May 1983, PP. 1162-94.

2- Psacharopoulos, G. & Woodhall, M. : "Education for Development", An Analysis of Investment Choices. A world Bank Publication, Oxford University Press 1985, P. 219.

3- Walker, A.D. : "The IEA six Subject Survey: An Empirical Study of Education in Twenty - One Countries", International Association for the Evaluation of Educational Achievement, Stockholm, 1976. P. 120.

4- Psacharopoulos, G. : "Public Versus private Schools in Developing Countries: Evidence From Colombia and Tanzania", International Journal of Educational Development. Vol.7 1987 PP. 59-68.

۵- حسین عظیمی: «مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران»، تهران، نشر نی، ۱۳۷۱، ص ۱۹۳-۱۷۳.

۲- امروزه این حقیقت مورد تأیید همگان قرار گرفته که نقش دانش آموزان در ارتقای کیفیت آموزشی، از سایر متغیرهایی نظیر کیفیت معلم، امکانات و تجهیزات، و سیاستهای آموزشی به مراتب مهمتر است. کیفیت کودکان عمدتاً وابسته به تواناییهای ذاتی، محیط خانوادگی و اوضاع اقتصادی - اجتماعی والدین است. هر قدر آمادگی کودکان برای آموزش بیشتر باشد، کیفیت آموزشی ارتقای سریعتری خواهد یافت.

۳- زمانی که دانش آموز در مدرسه صرف می‌کند، تنها به کسب علم و دانش اختصاص نمی‌یابد. بسیاری از مسائل اجتماعی، در کنار مباحث درسی به دانش آموزان انتقال می‌یابد، که بسیار ارزشمند و در کیفیت دانش آموزان تأثیر فراوان دارد. لیکن در معیارهای کیفیت آموزشی، تجلی پیدا نمی‌کند. بنابراین نباید کیفیت آموزشی را تنها در میزان توفیق دانش آموزان در طی مدارج تحصیلی، و سطح نمرات آنان جستجو نمود. تغییرات و تحولاتی که ناشی از حضور دانش آموزان در مدرسه است، همگی می‌تواند در کیفیت کودکان تأثیر گذارد، لیکن این تحولات در چارچوب کیفیت آموزشی انعکاس نمی‌یابد.

۴- بی شک ارتباطی بین هزینه سرانه هر دانش آموز و کیفیت آموزشی وجود دارد. ظاهراً هزینه‌های بیشتر، کیفیت بالاتری را فراهم خواهد نمود، لیکن لزوماً همواره چنین نیست. چرا که مدارس خصوصی با هزینه‌های کمتری توانسته‌اند کیفیت آموزشی مطلوبتری را ارائه نمایند. مسأله مهم این است که با تخصیص بهتر منابع بتوان با هزینه‌های کمتری به کیفیت برتری دست یافت.

۵- ارتقای کیفیت، نیازمند زمان، سرمایه و اهتمام تمام دست‌اندرکاران آموزش است. کوشش در یکسان کردن کیفیت مؤسسات آموزشی، کار صحیحی به نظر نمی‌رسد. تمام مدارس باید تلاش کنند تا کیفیت کار خود را بهبود بخشند.

۶- برای ارتقای سطح آموزش، باید در کیفیت وضعیت کودکانی که هنوز به مدرسه نیامده‌اند، سرمایه گذاری بیشتری صورت گیرد. زیرا همانطور که اشاره شد، خصوصیات کیفی دانش آموزان، عمده‌ترین عامل در بالا بردن کیفیت آموزشی است. بنابراین، برای رسیدن به چنین هدفی باید علاوه بر کوششهای والدین، از طریق برنامه‌های تلویزیونی و دوره‌های مهد کودک و آمادگی، تحولات لازم در روحیه و اذهان کودکان پدید آید.

بحث درباره کمیت و کیفیت آموزش و پرورش سابقه دیرینه‌ای